آندری بیه‌لی

ترجمهٔ افتخار نبوی نژاد

پترزبورگ

فهرست

سخنی با خواننده ۹
یادداشت مترجمان فرانسوی کتاب ۲۱
پترزبورگ ۲۳
پیش‌گفتار ۲۵
۱. در این فصل به یک شخصیت محترم، بازی‌های فکری او و ویژگی ناپایدار حیات پرداخته می‌شود. ۲۹
۲. در این فصل به میعادی که پیامدهایی بزرگ داشت می‌پردازیم. ۸۷
۳. یا یأس‌های نیکولا آپولونویچ ۱۴۹
۴. در این فصل، روایت‌گر از خط شکسته اقتباس می‌کند ۱۹۷
۵. در این فصل به یک آقای ریزنقش با زگیلی روی دماغ و یک قوطی ساردین با محتوایی دهشتناک پرداخته می‌شود. ۲۷۹
۶. در این فصل حوادث یک روز ابری و مه‌آلود نقل می‌شود. ۳۳۱
۷. یا: رخدادهای پی‌درپی یک روز دلگیر و مه‌آلود ۴۲۳
۸ و آخرین فصل. ۵۱۵
مؤخره ۵۵۹
«بازی فکری»؛ پژوهشی در باب پترزبورگ ۵۶۵

سخنی با خواننده

دو جوان فرانسوی پس از پیمودن راهی دشوار و تبحر یافتن در زبان روسی، شیفتهٔ اصالت، قدرت الهام‌بخش و سحرآمیز اثری می‌شوند که یکی از برجسته‌ترین آثار عصری به شمار می‌رود که امروزه «عصر نقره‌ای ادبیات روس» می‌نامندش. این اثر *پترزبورگ*[1] آندری بیه‌لی[2] نام دارد.

این شاهکار که پیش‌تر به زبان‌های انگلیسی، آلمانی و ایتالیایی ترجمه شده بود ژرژ نیوا[3] و ژاک کاتو[4] را بر آن داشت تا برای شناساندن آن به مخاطبان فرانسه‌زبان به برگردان فرانسوی آن مبادرت ورزند. ترجمهٔ ساده و روان، رنگ و غنای لفظی متن به گونه‌ای است که هرگز به ذهن خواننده خطور نخواهد کرد که یک اثر ترجمه‌شده پیشِ رو داشته و آن دو جوان برای نیل به این هدف با چه دشواری‌هایی مواجه شدند. چنین است توصیف کسانی که با نویسندهٔ *پترزبورگ* آشنا شدند و نیز کسانی که به داوری اثر پرداختند.

---

1. *Pétersbourg*

2. Andrei Biely (1880-1934)

۳. George Nivat (۱۹۳۵–): مترجم، نویسنده و استاد دانشگاه؛ اهل فرانسه.ـم.

۴. Jacques Catteau (۱۹۳۵–۲۰۱۳): محقق زبان و فرهنگ اسلام و منتقد ادبیات فرانسه.ـم.

آندری بیه‌لی مغزی است که در آن جنون و نبوغ بی‌وقفه در کنار هم قرار می‌گیرند و ترکیبی پر و پیمان به وجود می‌آورند.

بیه‌لی گذشته از آن که بسیار با استعداد بود، در زمینه‌های بی‌شمار دیگری نیز تبحر داشت: ریاضیات، ناتورالیسم، فلسفه‌های گوناگون، چیره‌دستی در نظم و نثر، موسیقی و طراحی. خود او شخصاً اسامی نوابغ بزرگی را که از آنان متأثر شده است به ترتیب زمانی چنین برمی‌شمرد: کودکی را با گوته، هاینه[۱]، شوپن و بتهوون آغاز می‌کند، سپس به گوگول و دیکنز می‌پردازد، در شانزده‌سالگی یعنی در۱۸۹۶ به خواندن آثار شوپنهاور و در ۱۸۹۷ به داستایفسکی و ایبسن روی می‌آورد؛ پس از آن نیچه، ولادیمیر سولوویف[۲] فیلسوف روسی، واگنر و کانت ذهنش را درگیر می‌کنند. او خیلی زود به خواندن *وداها*[۳]، ادبیات مدرن فرانسه، فِت، پیشگام سمبولیسم روس که شعرش موسیقی است و آثار بالمون، نویددهندهٔ این سمبولیسم پرداخت و نیز آثار ووندت[۴] و هوفدینگ[۵]، روان‌شناسان آلمانی را مطالعه کرد.

نتیجهٔ تمام این مطالعات شکل‌گیری اثری به نام *سمفونی شمال*[۶] در بیست‌سالگی است که قصد دارد حماسه‌ای جهانی باشد اما قصه‌ای رمانتیک بیش نیست که در آن ملکهٔ نیلگون و ارغوانی‌پوش سپیده‌دم، پیروز بر ظلمات، جاودانگی در جدال با زمان را نمادین می‌کند و این

۱. Heinrich Heine (۱۷۹۷ـ۱۸۵۶): شاعر آلمانی.ـم.

۲. Vladimir Sergeyevich Solovyov (۱۸۵۳ ـ ۱۹۰۰): فیلسوف و شاعر روسی.ـم.

۳. Vedas: کهن‌ترین کتاب‌های آریاییان و قدیمی‌ترین نوشته به زبان هندواروپایی. کتاب مقدس آیین هندو.ـم.

۴. Wilhelm Wundt (۱۸۳۲ـ۱۹۲۰): فیزیولوژیست، روان‌شناس، پزشک آلمانی.ـم.

۵. Wassily Hoeffding (۱۹۱۴ـ۱۹۹۱): آماردان فنلاندی.ـم.

6. Symphonie Nordique

قصه به صورت نثری آهنگین که از رمانس‌ها و ترجیع‌بندهای *گِرگ*[۱] و بن‌مایه‌های منظوم ملهم شده، به رشتهٔ تحریر درآمده است.

بوریس نیکلایویچ بوگایف[۲]، ملقب به بیه‌لی فرزند یک ریاضی‌دان، فیلسوف و استادی سرشناس در دانشگاه مسکو بود. بیه‌لی به معنای «سفید» لقبی است ملهم از نمایشنامه‌ای منظوم به قلم سولوویف به نام *گل‌های استکانی سفید*[۳]: «معراج‌های سفید عارفانه به سوی آینده» او با نخبگان روشنفکری که عقاید، کنجکاوی‌ها و جدیدترین، متنوع‌ترین و ژرف‌ترین یا ناپایدارترین آرمان‌هایشان «بیش‌تر به خاطر لذت نَفْس تا از روی خرد» دایماً مورد اقبال و بحث قرار می‌گرفتند، رابطهٔ صمیمانه‌ای برقرار کرد و ناخواسته بازتاب تفکر عصری شد که در آن می‌زیست. در سپیده‌دم آن عصر دو ستاره که گرچه رقیب اما بسیار به هم نزدیک، در آسمان روسیهٔ نوپا درخشیدند: الکساندر بلوک در سن‌پترزبورگ، و آندری بیه‌لی در مسکو.

نام بیه‌لی بین سال‌های ۱۹۰۳ تا ۱۹۱۲ در تمام جوامع، جراید، سالنامه‌ها، نشریه‌های ادبی، هنری، فلسفی و آوانگارد جای می‌گیرد: *آرگونوت‌ها*[۴]، *میزان*[۵]، *راه نو*[۶]، *عقرب*[۷]، *عقاب شیر*[۸]، *بز طلایی*[۹]، *راهبر خواهران موُر*[۱۰]. بیه‌لی، به این‌که فقط سمبولیست شعر باشد رضایت نمی‌دهد. او در *خورشیدی در آسمان نیلگون* و چهار سمفونی‌اش، که هر یک از سه مفهوم موسیقایی، طنز، ایدئولوژیک و سمبولیک برخوردارند تئوری سمبولیسم را بارور کرده و تا آخرین محدوده‌های آن پیش می‌برد.

1. Grieg
2. Boris Nikolaïevitch Bougaïev
3. les Blanches Campanules
۴ Argonautes؛ در اسطورهٔ یونان. پیروان جیسون.ـم.
5. Balzete
6. La nouvelle voie
7. Scorpion
8. le Griffon
9. la Toison d'or
10. musagete